

Conceptual Metaphors of Imam Hussein and his Companions in Fadaei Mazandarani's *Divan*

Samaneh Jafari*

Abstract

Fadaei Mazandarani is one of the ritual poets of the Qajar era, who has a *divan* (*maqtal*) with four parts, consisting of equal-size stanzas. His poems are full of imagery and figures of speech, but they have not received due attention in research. This library research aims to examine the conceptual metaphors of Imam Hussein and his companions in Fadaei's *Divan*, looking for the frequent conceptual metaphors used by the poet and analyzing their connection with the poet's time and thoughts. For this purpose, verses with conceptual metaphors were first extracted from the *divan* of the poet and then the findings were classified and the data were presented descriptively and analytically. The results show that the conceptual metaphors used for Imam and his companions are much more frequent than the ones used for the enemy. The metaphors cover a wide variety of different areas such as stars, animals, plants, jewelry and prophets, which create beautiful and innovative concepts and images despite the fact that a few metaphors are common and clichéd. After Imam, the most frequently used metaphors are related to Hazrat Abbas, Hazrat Qasim and Hazrat Zainab. The most frequent metaphor for the Imam Himself is "king", probably influenced by the position of the king during the poet's life, who shows majesty, power and superiority, and after that, the sun, the moon, the gem and the lion are the most frequent ones, signifying altitude, shining, value and courage.

Keywords: Metaphor, Conceptual Metaphor, Rhetorics, *Maqtal*, Fadaei Mazandarani

* Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.
Samanehjafari101@cfu.ac.ir

How to cite article:

Jafari, S. (2024). Conceptual Metaphors of Imam Hussein and his companions in Fadaei Mazandarani's *Divan*. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(1), 1-18. doi: 10.22077/jerl.2024.7586.1125



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



استعاره‌های مفهومی امام حسین (ع) و یارانش در دیوان فدایی مازندرانی

سمانه جعفری*

چکیده

فدایی مازندرانی از شاعران آیینی دوره قاجار است که مقتلی با چهار نظام در قالب ترکیب‌بند دارد. اشعار وی سرشار از صور خیال و آرایه‌های لفظی و معنایی است اما چنان‌که باید مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش کتابخانه‌ای با هدف بررسی استعاره‌های مفهومی امام حسین (ع) و یارانش در اثر فدایی به دنبال استعاره‌های مفهومی پرتکرار شاعر و تحلیل ارتباط آن با زمانه و فکر شاعر است. بدین منظور ابتدا ابیات دارای استعاره مفهومی از دیوان شاعر استخراج و پس از طبقه‌بندی یافته‌ها، داده‌های به‌دست‌آمده به روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته برای امام و یارانش بسیار بیش‌تر از سپاه دشمن است. تنوع استعاره‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله اجرام آسمانی، جانوران، گیاهان، جواهرات و پیامبران بالاست و این موجب ارائه مفاهیم و تصاویر زیبا و قابل تأملی شده که البته برخی از آنها کلیشه‌ای و مرسوم است. بعد از امام، بیشترین استعاره‌ها مربوط به حضرت عباس (ع)، حضرت قاسم (ع) و حضرت زینب (ع) است. پرتکرارترین حوزه مبدأ برای شخص امام، «شاه» است که طبق معمول آن دوران احتمالاً تحت تأثیر جایگاه شاه بوده و مفهوم عظمت، قدرت و برتری را به همراه دارد و پس از آن، حوزه‌های خورشید، ماه، گوهر و شیر با مفاهیم بلندی، درخشش، ارزشمندی و شجاعت بالاترین بسامد را دارد.

کلیدواژه‌ها: استعاره، استعاره مفهومی، بلاغت، مقتل، فدایی مازندرانی.

۱. مقدمه

امروزه استعاره نه تنها یکی از مهم‌ترین موضوعات مطالعات و بررسی‌های زبانی، بلکه یکی از مهم‌ترین موضوعات رشته‌هایی چون فلسفه و روان‌شناسی است؛ زیرا نتایج بسیاری از بررسی‌ها، نشان از حضور فراگیر استعاره در همه امور بشری دارد. در رویکرد شناختی باور بر این است که چون انسان استعاری می‌اندیشد، سخن و عمل او نیز تحت تأثیر آن استعاری می‌شود (زندى و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲)؛ در واقع استعاره فقط امری زبانی نیست؛ بلکه فرایند تفکر در انسان، به‌طور وسیعی استعاری است؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت ساختار مفهومی ذهن انسان به‌صورت استعاری پایه‌ریزی شده است. ظهور استعاره‌ها در قالب عبارات زبانی در اغلب اوقات به واسطه حضور این استعاره‌ها در ساختار مفهومی انسان میسر شده است (خادم‌زاده و سعیدی‌مهر، ۱۳۹۳: ۸).

پرداختن به استعاره سابقه‌ای دیرینه دارد، اما در مفهوم نوین می‌توان آن را مهم‌ترین دستاورد زبان‌شناسی جدید، با عنوان استعاره مفهومی دانست که در آن مفاهیم و امور ذهنی و مجرد به‌طور تجربی و عینی مفهوم‌سازی می‌شوند. نظریه استعاره‌های مفهومی، استعاره را به‌عنوان اصطلاحات زیربنایی ذهنی و ابزاری شناختی تعریف می‌کند که به افراد اجازه تفکر، درک و بیان یک مفهوم در قالب مفهومی دیگر می‌دهد (مولایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۵۴).

البته باید توجه داشت که ماهیت استعاره مفهوم‌سازی است؛ به این صورت که حوزه معنایی پیچیده و ذهنی را با حوزه معنایی ملموس و ساده مقایسه کرده، به وسیله آن مفاهیم انتزاعی و پیچیده را قابل فهم می‌کند. در استعاره مفاهیم پیچیده بر اساس مفاهیم قابل لمس درک می‌شود؛ به عبارتی استعاره مفهومی تجربه‌های افراد در حوزه‌های مشخص را به کار می‌گیرد و به ایشان کمک می‌کند تا مواردی را که در حوزه‌های ناشناخته هستند، درک کند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۱۲۴ به نقل از موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲).

استعاره‌ها گاهی منظور و هدف را به‌گونه‌ای پوشیده بیان می‌کنند؛ این امر باعث می‌شود ذهن انسان فعال شود و شروع به تأویل و اکتشاف کند و دیگر آن‌که می‌توان به کمک استعاره بعضی از امور نامتعارف را که در شرایط سیاسی و فرهنگی، گفتن آن ممکن نیست به‌صورت پوشیده بیان کرد (زنگویی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

کارکرد دیگر استعاره آن است که می‌تواند با نوآوری و بیان کردن مطالب به شیوه‌ای تازه و نو، باعث جلب توجه و برانگیختن مخاطب شود. تأثیرگذاری بر مخاطب کاری است که در انواع گفتمان‌های آموزشی، تبلیغاتی و ادبی کاربرد زیادی دارد (چوپان‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۴). این تأثیرگذاری به قدری است که گاه به قانع کردن انسان می‌رسد. به‌خصوص استعاره‌هایی که با فرایندها، رویدادها و امور مختلف سروکار دارند، می‌توانند با توجه به شرایط مخاطب، او را قانع کنند و به اهداف خود برسند (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۸).

همچنین بر اساس رویکردهای سنتی، استعاره نمک سخن است و آن را شیوا، جذاب

و فصیح می‌کند؛ بنابراین پیام استعاره بیشتر بر دل‌ها می‌نشیند و آن را برای دریافت حقیقت و مفاهیم آماده می‌سازد. شاید به همین دلیل است که قرآن کریم هم مردم را به خوش‌گفتار بودن و سخن زشت نگفتن دعوت می‌کند؛ در واقع با استعاره می‌توان اندیشه را فعال کرد و عواطف، احساسات و تمایلات را نشان داد. همچنین می‌توان وقایع و حوادث فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و باورها و آموزه‌های دینی را به شیوه‌ای مبتکرانه بیان کرد که این باعث ابتکار و ذهنیت فلسفی در مخاطبان می‌شود و نهایتاً به تأثیرگذاری بیشتر می‌انجامد (زنگویی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۱).

با این توضیحات استفاده از استعاره در همه انواع ادبی به دلایل مختلف ناگزیر و اثربخش است و در ادبیات آیینی که با شاخه‌های گسترده و متنوع خود می‌تواند در گونه حکمی و تعلیمی و نیز در مواردی در گونه غنائی طبقه‌بندی شود (نوریان، خردمندپور، ۱۳۹۳: ۱۸) شاعر یا نویسنده طبیعتاً نگاهی ویژه به تأثیرگذاری و اقناع مخاطب دارد و این مهم موجب اهمیت خاص زبان استعاره می‌گردد.

از سویی دیگر می‌توان با واکاوی اجزای زبانی و بلاغی شعر به پیوند معنادار عناصر شعری با یکدیگر رسید. برخی از متون و به‌طور خاص متون آیینی، بافتی ایدئولوژیک دارند و آرمان‌های اجتماعی، مذهبی یا فرهنگی گروه خاصی را در خود نهفته‌اند. یکی از راه‌های پی بردن به این باورها و آرمان‌های جمعی، تحلیل عناصر زبانی و بلاغی شعر بر مبنای اعتقادات و نگرش‌های نویسندگان و شاعران است (عباسی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۳). ایدئولوژی باورهای بنیادین یک گروه و اعضای آن است؛ بنابراین با مقولات ادراکی و شناختی افراد مرتبط است و چگونگی تفکر، تکلم و استدلال فرد و گروه را هدایت می‌کند. اعضای یک گروه یا فرقه در مجموعه‌ای از عقاید کلی مشترک‌اند و این کلیات، زیربنای نگرش آنها درباره جهان و راهنمای تفسیرشان از وقایع است و انگیزه آداب و رسوم اجتماعی و معنای نشانه‌های آن را شکل می‌دهد (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴۸).

البته که این گرایش‌های ایدئولوژیک و گزاره‌های اندیشگانی به‌خودی‌خود نمی‌توانند باعث ارتقای هنری سطح یک شعر شوند، بلکه شاعر باید این بایدها و نبایدها را آن‌قدر صیقل دهد که شعری راستین خلق شود چراکه حقیقت این است که شعر فقط یک باید را می‌پذیرد و بس و آن‌هم این است که شعر باید شعر باشد (رضایی‌نیا، ۱۳۹۸: ۳۲)؛ به بیانی روشن‌تر ایدئولوژیک‌ترین مفاهیم اگر به شاعرانگی بیان شوند، شعر خواهند بود و برعکس اگر غیرایدئولوژیک‌ترین مضامین و مفاهیم با بیان‌های ضد شعر همراه شوند، از دایره شعر بیرون می‌مانند و این نکته هیچ ربطی ندارد به این‌که جهان‌نگری و ایدئولوژی شاعر را بپسندیم یا نه (همان: ۳۲)؛ در واقع بلاغت بیش از آنکه به بازنمایی چه چیز پردازد، به این توجه دارد که امور چگونه بازنمایی می‌شوند. اگر ایدئولوژی را محتوا بدانیم، صناعات بلاغی غالباً تابعی از محتوای متن هستند، اما همین صناعات با آنکه تابع‌اند عمیقاً در شکل دادن به واقعیات دخالت دارند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۶۲). یکی از

نظام‌های بلاغی که رمزگان ویژه‌ای را تولید می‌کند و نشانگر گفتمان خاص است، استعاره است. استعاره‌های یک گفتمان ایدئولوژیک، از یک سو از دل ایدئولوژی زاده می‌شوند و از سویی دیگر همان ایدئولوژی را شکل می‌دهند؛ یعنی نخست جهان‌شناسی فرد در درون محیط ایدئولوژیک شکل می‌گیرد، آنگاه او برای مفهوم‌سازی آن ایدئولوژی طرح‌واره‌هایی در ذهن می‌سازد.

عنوان ادبیات آیینی و زیر مجموعه آن، شعر آیینی، عنوانی تازه است که در دهه هشتاد رواج یافت. سنگری در تعریف این گونه شعری می‌گوید: «شعر آیینی، به سروده‌هایی اطلاق می‌شود که در آیین‌ها و محافل دینی مانند ولادت‌ها، شهادت‌ها، وفیات و روزها و مناسبت‌های برجسته مذهبی مانند غدیر، بعثت، عرفه و در توصیفی دقیق‌تر در مجالس سوگ و سور مذهبی به کار می‌رود» (سنگری، ۱۳۹۵: ۱۶). گستره ادبیات آیینی البته فراتر و فراخ‌دامن‌تر از ادبیات دینی است؛ زیرا آیین‌ها هرچند عمدتاً خاستگاه دینی دارند اما گاه آیین‌هایی هست که خاستگاه آن مسائلی چون ملیت و قومیت است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۰).

استعاره‌های ایدئولوژیک شعر آیینی از نوع استعاره‌های غیرشخصی به شمار می‌آیند؛ چون که برآمده از اعتقاد جمعی و گروهی هستند و جهان‌بینی گروهی خاص را بیان می‌کنند. با توجه به این که استعاره قدرت برانگیختگی زیادی برای مخاطب دارد و سوی پوشیده‌گویی و کتمان‌کنندگی آن تأویل‌بردار و تفسیرپذیر است، می‌تواند آموزه‌های ایدئولوژیکی را در خود حمل کند (همان: ۳۶۵-۳۶۶)؛ از این رو این پژوهش بر آن است که با بررسی استعاره‌های مفهومی از امام حسین (ع) و یارانش در شعر فدایی مازندرانی به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

استعاره‌های مفهومی پرکاربرد فدایی مازندرانی چیست؟

استعاره‌های پرسامد فدایی مازندرانی چه ارتباطی با رویکرد ایدئولوژیک او دارد؟

۱-۱. ادبیات پژوهش

استعاره مفهومی «درک یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر» است. استعاره مفهومی دارای دو حوزه و یک فرایند است؛ حوزه مبدأ و حوزه مقصد و فرایند نگاشت؛ بنابراین از طریق نگاشت خصوصیات دو حوزه شناختی که در قالب استعاره با یکدیگر مربوط شده‌اند بر یکدیگر منطبق می‌شوند. حوزه‌ها مجموعه‌ای از تجربیات هستند و حوزه‌های مبدأ که شامل مفاهیم ملموس هستند به درک حوزه‌های مقصد که شامل مفاهیم انتزاعی هستند، کمک می‌کنند (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۹).

لیکاف و جانسون برای اینکه ارتباط بین حوزه مبدأ و مقصد را نشان دهند، بر آنند که حوزه مقصد همان حوزه مبدأ است؛ یعنی استعاره نوعی شباهت میان این دو حوزه به وجود می‌آورد. آنها برای نشان دادن این تشابه از «نگاشت» استفاده کردند و بیان نمودند

نگاشت در واقع رابطه بین دو قلمرو است که از تناظرهای بین دو مجموعه به دست می آید. کار کلمات و عبارات نیز این است که ذهن را به ارتباطی که به واسطه آن روابط و ویژگی های میان دو حوزه برقرار بشود، برانگیزانند؛ برای مثال در جمله «جمال خوراک است» شباهتی میان «روزی» و «زیبایی» وجود دارد؛ بنابراین استعاره ها از یک عبارت یا واژه به وجود نمی آیند؛ بلکه به باور لیکاف، از شباهت معرفتشناختی و هستیشناختی بین دو حوزه مقصد و مبدأ پدید می آیند (کریمی و علامی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

تئوری مفهومی بودن استعاره، از جمله مطالعات مدون است که پایه های استعاره را در سازمان های مختلف بشری و پدیده ها مثل اسطوره ها، سیاست، سازمان ها و نهادهای اجتماعی و زبان بدن بررسی می کند؛ برای نمونه تحقیقات نشان داده است که انسان حین استفاده از زبان بدن در خلال صحبت خود از استعاره های جهانی استفاده می کند، مثلاً هنگام حرف زدن راجعه گذشته به پشت سر و برای آینده به جلو اشاره می کند (براتی، ۱۳۹۶: ۵۵).

شناخت پذیرکردن مفاهیم و پدیده های ناشناخته، تجسم مفاهیم انتزاعی، خلق معنی یا شبه معنی، روشنگری مفاهیم و اندیشه ها، جاندار نمایاندن مفاهیم و پدیده ها، اقناع مخاطب، بیان عواطف عرفانی و توصیف، از کارکردهای شناختی استعاره مفهومی است (عباسی، ۱۳۹۷: ۱۲۰).

قدرت استعاره ها بسیار زیاد است؛ بیشتر تغییرات فرهنگی با معرفی استعاره های جدید و از بین رفتن استعاره قدیمی تر به وجود آمده اند (درزی، ۱۳۹۷: ۶). در اصل یک ضرورت اجتماعی استعاره را به وجود می آورد. استعاره نمی تواند به تنهایی در یک فرد شکل بگیرد؛ بلکه ماهیت آن اشتراکی و جمعی است و پس از آن که در جامعه وارد شد، غالباً بر اساس نیاز گوینده به زبان آورده می شود.

هدف از کاربرد استعاره، به وجود آوردن فضایی خاص در ذهن طرف مقابل است؛ فضایی که دارای جنبه های هیجانی و شناختی بسیار قوی باشد، باعث نزدیک شدن ذهن شنونده به ذهن گوینده شود و اشتراکاتی را در آنها به وجود آورد. بر این اساس می توان گفت که کاربرد استعاره، فقط محدود به یک نیاز آنی نیست؛ بلکه هدف آن گشودن دورنمایی است که گوینده استعاره در صدد آن است که به شنونده منتقل کند (قاسم زاده، ۱۳۷۹: ۲۵). پس استعاره ها آشکار کننده تجارب کمیاب هستند، نه فقط زینت کلام (ریکور، ۱۳۷۶: ۵۵).

۲-۱. پیشینه پژوهش

با وجود ارزش محتوایی و بلاغی دیوان فدایی مازندرانی تاکنون پژوهش چندانی بر اشعار وی صورت نگرفته و تنها آثار منتشر شده، از آن اکبری شلدره ای، مصحح دیوان اوست. اکبری شلدره ای (۱۳۷۳) در مقاله «فدایی مازندرانی؛ گزارشگر حماسه حسینی» به معرفی این شاعر پرداخته و همو (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «بررسی زیبایی شناسانه اشعار عاشورایی فدایی

مازندرانی از منظر آرایه‌های معنوی سنتی و نو» به روش کتابخانه‌ای، مقتل منظوم فدایی مازندرانی را از منظر علم بدیع، آرایه‌های ایهام و لفونشر، حس آمیزی و پارادوکس تحلیل و بررسی کرده است. در این جستار، این نتیجه حاصل شد که آرایه‌های ایهام و لفونشر به‌عنوان عناصر و فنون زیبایی سخن، در شعر فدایی بسامد قابل توجهی دارند. اکبری شلدره‌ای (۱۴۰۱) مقاله دیگری با عنوان «فدایی مازندرانی، از پیشگامان ادبیات پایداری» نیز به چاپ رسانده است. آزده و جعفری (۱۴۰۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بدیع لفظی در دیوان فدایی مازندرانی» به کاربرد آرایه‌های لفظی در شعر فدایی پرداخته‌اند.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف کاربردی و از حیث روش، کتابخانه‌ای است. جامعه آماری آن ابیات دیوان فدایی مازندرانی با ۱۷۷ صفحه است که بر اساس جدول کرجسی و مورگان ابیات ۱۱۸ صفحه از آن به روش تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده، مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور ابتدا استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته در این ابیات استخراج و سپس طبقه‌بندی شده و در نهایت داده‌های پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی ارائه شده است.

۲. یافته‌های پژوهش

در اصطلاح تاریخ‌نگاری، مراد از مقتل، شرح علل، انگیزه‌ها، وقایع پیرامونی، جزئیات، حوادث مقارن و پیامدهای کشته‌شدن فرد یا افراد مشخصی است که به‌نوعی در یک برهه زمانی، منشأ تحول در ابعاد مختلف فکری، سیاسی، فرهنگی، نظامی یا اجتماعی بوده‌اند (قهرمانی شایق، ۱۳۹۴: ۳۹). نخستین نگارش مقتل در تاریخ‌نگاری اسلامی، به حادثه عاشورا و حوزه تاریخ تشیع بازمی‌گردد. نخستین نمونه‌های مقاتل، نمونه‌هایی شفاهی است که در واقعه قتل عثمان پرداخته شده است؛ اما نخستین بار شیعیان عراق بودند که مقاتل عثمان را مکتوب ساختند، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد مقتل نویسان سنتی، بیشتر متأثر از شیعیان و در برابر آرای آنان به نگارش مقتل عثمان پرداختند (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵: ۸۹). میرزا محمود فدایی مازندرانی با خاندان قاجار هم‌روزگار بود و در دوره پادشاهی فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه می‌زیست (اکبری شلدره‌ای، ۱۳۷۳: ۱۳۹). مجموعه شعرهای فدایی مازندرانی در قالب کلاسیک است و در کتابی با عنوان دیوان فدایی مازندرانی (مقتل) به تصحیح فریدون اکبری شلدره گردآوری شده است. این مقتل که در سده سیزدهم هجری قمری سروده شده مشتمل بر چهار نظام با ۴۰۲۹ بیت است. بسیاری از این سروده‌های سوزناک در مساجد و تکیه‌های روستایی مازندران بی‌آنکه کسی سراینده اشعار را بشناسد، خوانده می‌شود. این چهار مقتل یکسره در قالب شعری ترکیب‌بند و در وزن «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلان» سروده شده است. البته فدایی افزون بر این چهار

نظام (مقتل)، مرثیه‌های دیگری نیز در قالب‌های مثنوی، رباعی و قصیده دارد (فدایی، ۱۳۷۷: بیست و چهار).

با نگاهی به دیوان فدایی درمی‌یابیم که او در دانش‌های زمان خود استادی و مهارت داشته است. به‌کارگیری اصطلاح‌های اخترشناسی و دستگاه‌ها و مقام‌های موسیقی و همچنین بهره‌گرفتن از مایه‌های اسطوره‌ای گسترده‌ی دانش او را آشکار می‌کند (اکبری شلدراهی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). وی همچنین در اشعار خود از انواع شگردهای دل‌نشین ادبی استفاده کرده است. در یک مقایسه و برآیند کلی چنین استنباط می‌شود که او سعی کرده از تمامی آرایه‌ها استفاده کند که این نشان از قدرت بالای شاعری او دارد (آزده و جعفری، ۱۴۰۳). فدایی مازندرانی در مقتل‌های چهارگانه خود توجه بسیاری به مفهوم شهادت دارد و در پردازش استعاری این مفهوم، به شهادت شخصیت‌های مختلف روایت کربلا پرداخته است. چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره شد، در استعاره مفهومی با حوزه مقصدی عموماً از نوع مفهومی انتزاعی مواجهیم که در ژرف‌ساخت جمله‌ای اسنادی به حوزه‌ای ملموس و مادی مربوط می‌شود تا از رهگذر نزدیکی دو حوزه، مفهوم مورد نظر انتقال یابد. شاید در نگاه اول پرداختن به استعاره‌های مفهومی با حوزه مقصد یک شخصیت صحیح به نظر نرسد اما از آنجاکه در مورد شخصیت‌هایی چون امام حسین و یارانش با هاله‌ای از مفاهیم مواجهیم تا جایی که اکثراً به‌عنوان نماد در فرهنگ و آیین ما مطرح‌اند، این پژوهش به‌عمد از اصطلاح استعاره مفهومی استفاده کرده است.

بررسی مقتل فدایی نشان می‌دهد از میان امام حسین (ع) و یارانش بیشترین استعاره‌های مفهومی به خود امام و پس از ایشان به حضرت عباس (ع)، حضرت قاسم (ع) و حضرت زینب (س) تعلق دارد. بیان استعاری فدایی علاوه بر این بزرگان با بسامد کمتری به حضرت سجاد (ع)، حضرت علی‌اکبر (ع) و حضرت علی‌اصغر (ع) نیز پرداخته است. سایر یاران امام و اطفال و اسرا نیز استعاره‌هایی را به خود اختصاص داده‌اند که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

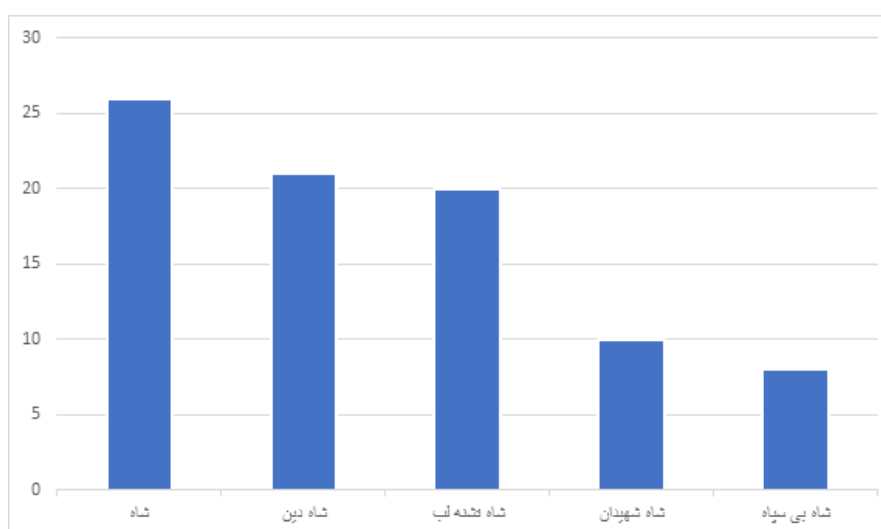
۲-۱. استعاره‌های مفهومی در ارتباط با امام حسین (ع)

الف) حسین (ع) شاه است

در مقتل فدایی پرتکرارترین استعاره مفهومی به‌کاررفته درباره امام حسین (ع)، با فراوانی ۱۳۵ مورد، مفاهیم مربوط به شاه، شه، پادشاه، شهنشه، سلطان و خسرو است. فدایی با مضاف‌الیه‌ها و صفت‌های زیبایی که به این کلمات داده مفاهیم متنوع و قابل تأملی ایجاد کرده که شاید به سبب بار نسبتاً منفی این کلمه در ادبیات آیینی پس از انقلاب، در اشعار آیینی جدید کاربرد چندانی ندارد؛ اما فدایی که در دوره پادشاهی قاجار روزگار می‌گذرانده ظاهراً با علاقه بسیار به این کلمه کوشیده مفهوم بزرگی و سیادت امام در دشت کربلا را به نمایش بگذارد.

وی در ۲۶ مورد فقط از لفظ شاه/ شه استفاده کرده، ۲۱ بار شاه/ سلطان دین و در ۲۰ مورد شهنشاه تشنه لب/ پادشه تشنه‌کام را به کار برده است. توصیف‌های دیگری که فدایی از شاه خود ارائه داده عبارت‌اند از:

شه شهید/ شاه شهیدان، شاه بی‌سپاه/ سلطان کم‌سپاه، شه مظلوم، شه حجاز، شاه بی‌کسان، شه اوتاد، شه محتشم، شهنشاه بیداردل، شه مالک الرقاب، شاه راستان، شاه حق‌شناس، شه کبار، شه دوران، شاه کربلا، شه بشر، سلطان دهر، خسرو بحر، شاه خسته تن، شه خوبان، شه شش‌جهت، سلطان کشور الم، شاه ملک غم*، شاه لافتی، خسرو عرب، خسرو ارض و سما، شاه تاجدار، شه بحر و بر، خسرو زمانه، شه محتشم، شاه صبر پیشه، سلطان عالم، شه هشت کشور، پادشاه بی‌حشم، شه ملک ابتلا، خسرو انام، شاه غرق خون، خسرو دین‌پرور، شاه سر بریده، شهنشاه دین‌پناه



نمودار ۱: فراوانی استعاره‌های مفهومی شاه با مبدأ امام حسین (ع)

ب) حسین (ع) ستاره آسمان است

حوزه معنایی دیگری که در ساخت استعاره‌های مفهومی مرتبط با حسین (ع) بسیار مورد توجه فدایی مازندرانی بوده، آسمان و اجرام آسمانی با ۷۳ فراوانی است. در این میان امام بیش از هر چیز (۲۱ بار) به خورشید/ مهر/ شمس/ آفتاب مانند شده است. غیر از شخص ایشان، بدن، سر و دل امام نیز در ارتباط با این حوزه قرار گرفته است. فدایی با تعبیری چون مهر درخشان، خورشید چرخ مرتضی، آفتاب چرخ وفا، آفتاب اوج هدی، مهر سپهر حیدر و زهرا، مهر چرخ جود، مهر سپهر محمد، آفتاب روز و... به توصیف امام پرداخته و با تعبیر مهر کسوف کرده و مهر به خون نهفته از شهادت ایشان یاد می‌کند. نگاشت این دو حوزه مفهومی حامل مفاهیمی چون علو مقام، درخشش و روشنایی بخشی (هدایت) است.

ماه/مه/قمر نیز جایگاه ویژه‌ای در رویکرد استعاره‌ی فدایی دارد. در نمونه آماری مورد بررسی، وی ۱۴ بار از این کلمات و تعبیری چون ماه آسمان سخا، مه تابان فاطمه، مه شام، ماه خسوف کرده، ماه به خون نهفته استفاده کرده و بارها با تعبیر هلال شدن بدر حسین (ع)، ضعف و تشنگی امام در لحظات پایانی شهادت ایشان را به تصویر کشیده است. افزون بر این، فدایی در جای‌جای اثر خود، امام را اختر گردون و به‌طور خاص اختر تابنده فلک مرتضی دانسته است. ارتباط امام با این حوزه مفهومی حامل مفاهیمی چون زیبایی و معشوق‌گونگی و نیز برطرف کردن ظلمت و تاریکی است.

ج) حسین (ع) جانور است

فدایی از حوزه مفهومی جانوران (با ۳۷ فراوانی) نیز بهره برده است. از بین جانوران شیر (با ۱۱ فراوانی)، مرغ (با ۷ فراوانی) و صید (با ۶ فراوانی) بیشترین اهمیت را دارد. نگاهت نخست بر پایه مفهوم شجاعت است، اما ایجاد ارتباط بین امام و مرغ یا صید با مفاهیم پر گشودن به آشیان خلد، مرغ تیر خورده، پرشکسته بودن، بسمل شدن، در خون تپیدن، به خاک افتادن و لب تشنه ماندن تماماً به مفهوم شهادت مظلومانه امام اشاره دارد. دیگر جانوران مورد استفاده فدایی، آهو/آهوی حرم/آهوی در خون تپیده، فاخته کوزون (در جست‌وجوی پیکر برادر)، سمندر (مقیم در آتش)، شاهباز (شاهباز اوج سعادت، شهادت)، بط، عقاب (از بسیاری پرهای تیرهای اصابت‌کرده)، هما و کبوتر خونین است.

د) حسین (ع) گیاه است

در دیگر حوزه مفهومی گیاهان، امام با بیشترین تکرار به سرو (با ۸ فراوانی)، گل (با ۵ فراوانی)، نخل، نهال و غنچه (هریک با ۳ فراوانی) مانند شده است. افزون بر این تعداد، بدن، قامت، سر، چهره و لب امام نیز با مفاهیم مربوط به این حوزه ارتباط داده شده است. دیگر تعبیر این شبکه معنایی عبارت‌اند از: گلشن، درخت برگ ریخته، نخل ارغوان، طوبی، گلبن، لاله، سوسن (زبان در کام کشیده از تشنگی)، شاخه چنار.

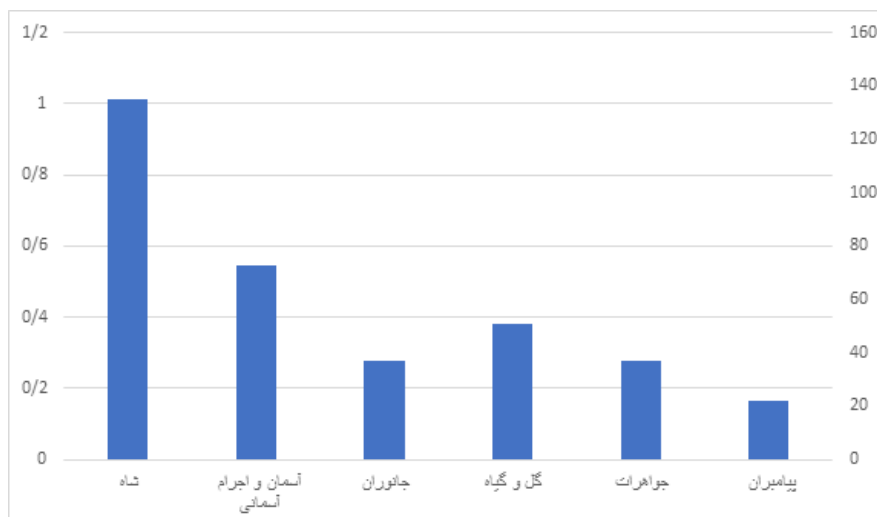
ه) حسین گوهر است

فدایی با استفاده از جواهرات نیز استعاره‌های مفهومی زیبایی آفریده است. وی ۱۱ بار از گوهر با مفاهیم یگانه و منحصر به فرد بودن، در صدف بودن، رخسندنه بودن، گوهر درج پیمبر بودن استفاده کرده است. در ۵ مورد نیز در را مطرح ساخته که به مفاهیم یکتایی و شاهواری، بی‌بها بودن و درخشندگی نظر دارد. فدایی در ۳ مورد امام را نگین/نگین سلیمان دانسته و یک‌بار هم گوشوار عرش خدا نامیده است.

و) حسین (ع) پیامبر است

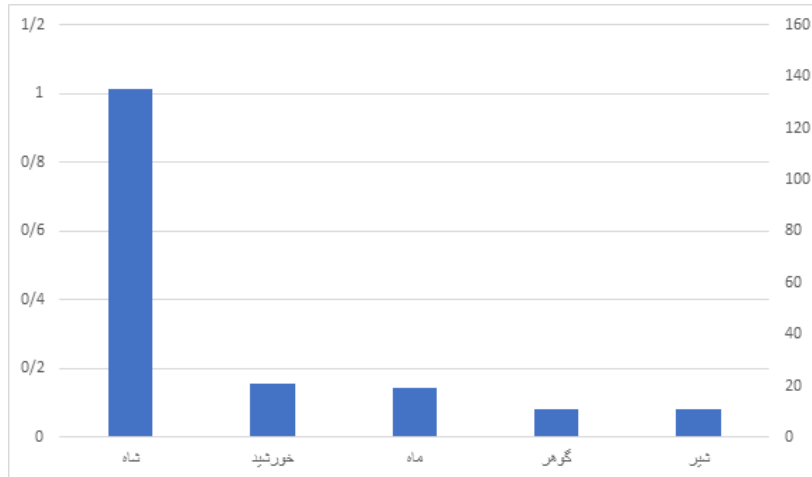
از بین پیامبران الهی، فدایی، امام حسین را بیش از همه به حضرت یوسف مانند کرده است. وجه اسناد این مفهوم، زیبایی، عزیز بودن برای پدر و رسیدن به مقام پادشاهی است. دیگر پیامبرانی که بین ایشان و امام حسین (ع) ارتباط برقرار شده، حضرت عیسی و حضرت سلیمان‌اند که با خصوصیاتش چون بر دار کشیده شدن و از دست دادن نگین،

با امام شهید کربلا که نگین‌های باارزش خاندانش را گم کرده، ارتباط یافته‌اند. دیگر پیامبران مورد توجه فدایی، خلیل (۲)، یحیی (۲)، یعقوب، موسی و اسماعیل (زاده خلیل) هستند که اغلب به شکل تشبیه تفضیل مطرح شده‌اند و مفهوم مورد نظر در دو حوزه مبدأ و مقصد، بزرگی مقام است.



نمودار ۲: حوزه‌های پرکاربرد استعاره‌های مفهومی با مبدأ امام حسین (ع)

دیگر استعاره‌های پراکنده در ارتباط با امام حسین (ع) عبارت‌اند از:
 نور چشم پیامبر (۴)، نور چشم علی، نور دل علی (۲)، جگرگوشه علی، روح زهرا
 شمع که یارانش دورش می‌گردند (۵)، شمع فسرده
 قربانی منای تمنای وصل، قربانی منای خلوص، ذبح کعبه وفا
 کشتی نجات (۲)، کشتی به خون نشسته موج فنا، لنگر کشتی سپهر برین
 مرهم جراحی دل‌ها (۲)
 آرد در آسیای کربلا
 سیل (۲)، ابر بهاری
 سد دین



نمودار ۳: پرتکرارترین استعاره‌های مفهومی با مبدأ امام حسین (ع)

غیر از خود امام استعاره‌های مفهومی‌ای از برخی اعضا و جوارح ایشان نیز در مقتل فدایی وجود دارد که در جدول ذیل نشان داده شده است.

جدول ۱: استعاره‌های مفهومی اعضا و جوارح امام حسین (ع)

مبدأ استعاره	استعاره‌های مفهومی
سر (۱۸)	آفتاب (۶)، بار یا ثمر بر سنان (۶)، افسر سران (۳)، کوکب / اختر (۲)، گوی
لب (۱۴)	لعل (۶)، غنچه (۴)، گل (۲)، خاتم، فیروزه (لب کبود)
تن (۱۱)	گل (۳)، خورشید (۳)، سایه تپان بر خاک، غنچه، قفس، سپهر، ماه در شفق
چهره (۷)	آفتاب (۴)، لاله، گل کاه شده، بدر
گیسو (۶)	پرچم بر نیزه (۲)، نافه غزال ختن، نسترن، سمن، مشک
قامت (۶)	الف نون شده (۲)، کمان، نخل (۲)، شمشاد، نهال
خون (۵)	گل، یاقوت تر، آب غسل، خضاب، سیلاب نوبهار
دل (۲)	سیماب، آفتاب
گردن (۳)	سیم (۳)
ابرو	هلال
روح	مرغ
حلق	بلور
پیشانی	ورق یاسمن
زخم (۴)	ستاره (۴)
اشک	باران آذری

۲-۲-۲. استعاره‌های مفهومی در ارتباط با یاران حسین (ع)

فدایی مازندرانی در خلال روایت مقتل خود غیر از امام، گاه از یاران ایشان نیز با بیانی

استعاری یاد کرده است. در این موارد وی بیش از هرچیز به مفهوم مرکزیت امام و رابطه عاشقانه یارانش با وی نظر داشته و ایشان را پروانگان دور شمع وجود امام، بلبلان عاشق گل وجود امام، هاله دور ماه، ستارگان کنار ماه و حلقه انگشتری که امام نگین آن است دانسته است. علاوه بر موارد یاد شده برای یاران امام در موارد معدودی از استعاره‌های مفهومی خورشید و نخل نیز استفاده شده است. همچنین قامت آنان شمشاد و سرو و خونشان غازه حوران و لاله دانسته شده است.

از بین یاران امام به‌طور خاص از عون بن عبدالله و محمد بن عبدالله فرزندان حضرت زینب نام برده شده و استعاره‌های مفهومی شیر، گل، گل گلشن وفا، دوحه گلزار هاشمی و لاله برایشان به کار رفته است. وی عثمان بن علی را نیز شیر و ضیای چشم علی دانسته و برای پیکر زهیر بن قین بجلی و سعید بن عبدالله حنفی از استعاره آهن با مفهوم سرسختی و قدرت و شدت استفاده کرده است.

اما به‌جز جنگجویان در رکاب امام (ع)، فدایی با بیانی استعاری به توصیف حال اسرا و طفلان دشت کربلا نیز پرداخته است. وی به زیبایی برای ایشان از مبادی گل گلشن وفا، گنج در ویرانه‌ها، سایه و بلبل استفاده کرده که به نگاشت طراوت و تازگی، بی‌کسی و آوارگی، بی‌چیزی و خاکساری و عاشق بودن بین حوزه مبدأ و مقصد می‌پردازد. چهره آنان به سبب رنجی که کشیده‌اند و سیلی‌های اشقیاء، کهربا، بنفشه، نیلوفر و لاله دانسته شده است. اشک پاکشان لاله بوده، دل نازکشان با شیشه ارتباط داده شده است. از بین یاران و همراهان امام در دشت کربلا بیشترین استعاره‌های مفهومی به حضرت عباس (ع) اختصاص دارد.

حضرت عباس (ع)

در مقتل فدایی ۳۱ بار از استعاره‌های مفهومی حوزه‌های مختلف برای حضرت عباس (ع) استفاده شده است. پرتکرارترین استعاره، شیر/ ضیغم (با ۱۰ فراوانی) است که به مفهوم شجاعت اشاره دارد. در حوزه جانوران، صید تیرخورده و بط (به سبب رسیدن به آب) نیز به ایشان نسبت داده شده است. یک‌بار هم در ساختار تشبیه تفضیل ایشان با توجه به مفاهیم اهمیت خون و انتقام الهی با شتر صالح ارتباط داده شده‌اند. در حوزه گل و گیاه، برای ایشان بیش از سایر مبادی از غنچه چاک‌چاک و گل پاره‌پاره استفاده شده است. سرو، نیلوفر، سوسن زبان در کام کشیده، سرو سرنگون از دیگر استعاره‌های مفهومی به کار گرفته شده برای آن حضرت است. با توجه به لقب «قمر بنی‌هاشم» استعاره مفهومی ماه و خورشید برای ایشان نیز در مقتل دیده می‌شود اما قابل تأمل است که فدایی استفاده پرتکراری از آن ندارد و ترجیح می‌دهد بیش از درخشش و زیبایی به شجاعت حضرت بپردازد. در موارد متعددی نیز حضرت عباس (ع) را احمد (۳) و حیدر (۲) زمان خود دانسته و به ارتباط این دو حوزه مفهومی اشاره شده است. شهزاده و آتش (در زمان خشم) نیز از استعاره‌های مفهومی آن حضرت است.

حضرت قاسم

در مقتل‌های چهارگانه بیش از ۲۱ بار با بیانی استعاری از حضرت قاسم (ع) یاد شده است که در کنار تعداد و طول روایات احساسات و وقایع مربوط به ایشان، نشان از ارادت شاعر نسبت به حضرت دارد. ایشان بیش از سایر مفاهیم، گل باغ حسن (ع)، شیر و صید زخم‌دار دشت کربلا دانسته شده‌اند و با تأکید بر برومندی در نوجوانی و سن کم ایشان، نونهای گلشن حسن معرفی شده و قامتشان بارها به شمشاد و سرو ارتباط داده شده است. خونشان خضاب (۳) و چهره‌شان ماه بدر (۳) دانسته شده و بارها به شباهت ایشان به پیامبر اشاره شده است. ایجاد ارتباط بین خط آن حضرت و خط غبار نیز به زیبایی به مفهوم تازگی و نوجوانی آن حضرت اشاره دارد و استعاره بسمل تپیده از شهادت ایشان می‌گوید.

حضرت زینب (س)

حضرت زینب (س) در روایات فدایی نقش بسیار پررنگی دارد و در برخی موارد با بیانی استعاری (با ۱۳ فراوانی) به وی پرداخته شده است. فدایی با کاربرد استعاره‌های مفهومی بلبل، پروانه و کبوتر نالان، عشق آن حضرت به برادرش را خاطر نشان می‌کند و با استعاره‌های سپند، درا و طوفان از حال متقلب و سوزوگداز وی و مفهوم دادخواهی می‌گوید. کاربرد این مفاهیم دارای سروصدا به اهمیت نوحه‌گری و سخن‌آوری آن حضرت اشاره دارد. در روایت فدایی، چهره حضرت زینب (س) که از زیبایی و لطافت به گل ماندشده، پس از تحمل درد و رنج‌های بسیار، بنفشه‌وار کبود گشته و قامتش به چوگان تبدیل شده است. اشک وی گلاب و ژاله و دلش خورشید است.

حضرت سجاد (ع)

امام سجاد (ع) به سبب جانشینی پدر بارها شاه دین خوانده شده و از وی با القابی چون نور چشم حسین و یوسف حسین یاد شده است. او نیز چون پدر بزرگوارش، نگینی بر حلقه انگشتی یاران است و تعبیر نون شدن الف قامتش در مقتل فدایی پرتکرار است. چنان‌که مشاهده می‌شود استعاره‌های مفهومی به‌کاررفته برای ایشان اگرچه با تنوع و بسامد کمتر، شبیه به شخص امام است که نشان از استعاره‌های خاص فدایی در نگاشت مفهوم امامت دارد.

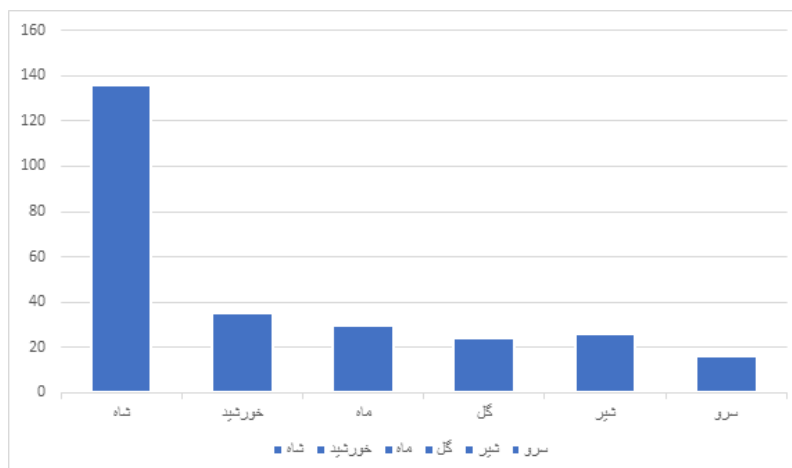
حضرت علی اکبر (ع)

جوان دشت کربلا به سبب تأکید شاعر بر زیبایی و لطافتش بیش از هر چیز به گل ارتباط داده شده است. خون او لاله و قدش سرو است.

حضرت علی اصغر (ع)

با وجود تکرار روایت حضرت علی اصغر (ع)، فدایی در شرح واقعه ایشان بیشتر به حال پدر توجه دارد و از استعاره‌های انگشت‌شماری برای آن حضرت استفاده کرده است. در ایات بررسی شده از مقتل، برای ایشان یک‌بار از استعاره مفهومی غنچه استفاده شده و در یک مورد هم چهره ایشان ماه دانسته شده است؛ اما نکته قابل تأمل آن است که برای

حضرت علی اصغر (ع) نیز چون حضرت عباس (ع) از استعاره مفهومی شتر صالح استفاده شده است که فدایی را منتظر انتقام خون وی نشان می‌دهد.



نمودار ۴: استعاره‌های پرتکرار امام حسین (ع) و یارانش

نمودار فوق نشان می‌دهد تفاوت استعاره‌های مفهومی شخص امام حسین (ع) با تجمیع استعاره‌های امام و یارانش در دو استعاره مفهومی گل و سرو است که جای گوهر را می‌گیرد؛ در واقع فدایی برای جوانان بنی‌هاشم، حضرت زینب، یتیمان و اسرا با فراوانی بسیار از حوزه معنایی گیاهان استفاده کرده است که مفاهیم برافراشتگی قامت دلاوران و لطافت و تازگی را می‌رساند.

نتیجه‌گیری

مطالعه محتوای دیوان فدایی مازندرانی نشان می‌دهد که وی در مقتل خود بیش از شرح وقایع به دنبال بیان احساسات خود در باب واقعه کربلاست؛ از این رو کاربرد استعاره‌های مفهومی در اشعار وی به‌ویژه در حوزه امام و یارانش فراوانی نسبتاً بالایی دارد. نکته قابل تأمل دیگر، تنوع استعاره‌ها در حوزه‌های مختلف مفهومی است. پرتکرارترین حوزه‌های مبدأ به ترتیب، پادشاه، اجرام آسمانی، جانوران، گیاهان، جواهرات و پیامبران است و در ارتباط با امام، شاه، خورشید، ماه، گوهر و شیر بیش‌ترین فراوانی را دارد. بررسی استعاره‌های مفهومی یاران امام، دو استعاره مفهومی گل و سرو را نیز به این موارد می‌افزاید. مضامین نون شدن الف قامت، هلال شدن بدر، جمع شدن دور امام چون حلقه دور نگین نیز از تصاویر پرتکرار مقتل فدایی است که در کنار موارد یادشده، نشان از توانمندی شاعر در خلق استعاره‌های مفهومی زیبا و متناسب در کنار پرداختن به استعاره‌های رایج و کلیشه‌ای در مرثی و مقاتل دارد؛ لذا پیشنهاد می‌شود پژوهش درباره ویژگی‌های بلاغی اشعار فدایی مازندرانی از جانب پژوهشگران حوزه ادبیات آیینی پیگیری شود.

کتابنامه

- آزده، یوسف و جعفری، سمانه. (۱۴۰۲). «بررسی بدیع لفظی در دیوان فدایی مازندرانی». *مطالعات زبان فارسی*. س ۶. ش ۱۵. صص ۱۸-۲.
- ابراهیمی، فرزانه. (۱۳۹۲). *استعاره‌های تربیتی در کتاب‌های درسی پیام‌های آسمان ششم ابتدایی، دوم و سوم راهنمایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- ابراهیمی، بهروز؛ عامری، حیات؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا. (۱۳۹۶). «استعاره‌های مفهومی عشق در آینه ضرب‌المثل‌های انگلیسی و ترکی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. د ۶. ش ۲۰. صص ۴۸-۲۳.
- براتی، مرتضی. (۱۳۹۶). «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی»، *مطالعات زبانی و بلاغی*. د ۸. ش ۱۶. صص ۵۱-۸۴.
- اکبری شلدره‌ای، فریدون. (۱۳۷۳). «فدایی مازندرانی؛ گزارشگر حماسه حسینی». *میراث جاویدان*. س ۲. ش ۳. صص ۱۳۸-۱۴۴.
- اکبری شلدره‌ای، فریدون. (۱۳۹۳). «بررسی زیبایی‌شناسانه اشعار عاشورایی فدایی مازندرانی از منظر آرایه‌های معنوی سنتی و نو». *مطالعات نقد ادبی*. د ۹. ش ۳۵. صص ۲۶-۴۳.
- اکبری شلدره‌ای، فریدون. (۱۴۰۱). «فدایی مازندرانی، از پیشگامان ادبیات پایداری». *پژوهشنامه ادبیات معاصر ایران*. د ۳. ش ۱. صص ۴-۳۳.
- تقی‌پور حاجبی، ساناز؛ پاشایی فخری، کامران؛ عادلزاده، پروانه. (۱۳۹۷). «استعاره‌های مفهومی در طبقه‌بندی جدید در مان‌های علی محمد افغانی و کازوئوایشی گورو». *ادبیات تطبیقی*. د ۱۳. ش ۴۹. صص ۱۲۵-۱۴۶.
- چوپان‌زاده، مرضیه. (۱۳۸۴). «بررسی آماری کارکردهای استعاره در گفتمان آموزشی»، *نشر دانش*. ش ۱۱۴. صص ۱۳-۱۷.
- حسینیان‌مقدم، حسین. (۱۳۹۵). «سیر تکاملی مقتل‌نگاری با تکیه بر مقتل‌نگاران اصحاب امامان معصوم (ع)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی». *پژوهشگاه حوزه و دانشگاه*. س ۷. ش ۲۳. صص ۸۷-۱۱۰.
- خادم‌زاده، وحید؛ سعیدی مهر، محمد. (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۱/۱۷. صص ۷-۳۳.
- درزی، قاسم. (۱۳۹۷). «استعاره و میان‌رشتگی: بیان موارد کاربرد استعاره‌ها در پژوهش میان‌رشته‌ای»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. د ۱۰. ش ۲. صص ۱-۲۶.
- رضائی‌نیا، عبدالرضا. (۱۳۹۸). *درنگ تماشا*. تهران: سلمان.
- ریکور، پل. (۱۳۷۳). *زندگی در دنیای متن: شش گفتگو*، یک بحث. ترجمه بابک احمدی. تهران:

نشر مرکز

زندى، بهمن؛ روشن، بلقيس؛ قاسم‌پورمقدم، حسين؛ باباسالارى، زهرا. (۱۳۹۴). «تحليل محتواى شناختى استعاره کارکردى در کتاب‌هاى درسى فارسى دوره ابتدائى». *نوآورى‌هاى آموزشى*، ۱۵د. ش ۵۷. صص ۷-۱۶.

زنگويى، اسدالله؛ شعبانى ورکى، بختيار؛ فتوحى، محمود؛ مسعودى، جهانگير. (۱۳۸۹). «استعاره: مفهوم، نظريه‌ها و کارکردهاى آن در تعليم و تربيت»، *مطالعات تربيتى و روان‌شناسى*. د ۱۱. ش ۱. صص ۷۷-۱۰۸.

سنگرى، محمدرضا. (۱۳۹۵). *از نتايج سحر*. تهران: سوره مهر.

عباسى، جعفر؛ واعظى، مرادعلى؛ محمدى، ابراهيم. (۱۳۹۹). «نمود ايدئولوژى در لايه‌هاى بلاغى و زبانى شعر آيينى معاصر در سه دهه اخير». *فنون ادبى*. س ۱۲. ش ۴ (پياپى ۳۳). صص ۱۷۳-۱۵۴.

عباسى، زهرا. (۱۳۹۷). «استعاره مفهومى عشق و خوشه‌هاى معنايى مرتبط با آن در تذکره الاولياى عطار» *پژوهش‌هاى ادب عرفانى*. د ۱۲. ش ۲. صص ۱۱۷-۱۴۶.

فتوحى، محمود. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسى، نظريه‌ها، رويکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.

فدايى مازندرانى، ميرزا محمود. (۱۳۷۷). *ديوان فدايى مازندرانى (مقتل)*. تحقيق و تصحيح فريدون اکبرى شلدره‌اى. قم: معاونت فرهنگى سازمان اوقاف و امور خيريه.

قاسم‌زاده، حبيب‌الله. (۱۳۷۹). *استعاره و شناخت*. تهران: کارون.

قهرمانى شايق، بهاء‌الدين. (۱۳۹۴). *مقتل‌نامه، بررسى و تحليل شيوه‌هاى تاريخ‌نگارى مقتل از آغاز تا پايان قرن پنجم*. مشهد: بنياد پژوهش‌هاى آستان قدس.

کريمى، طاهره؛ علامى، ذوالفقار. (۱۳۹۲). «استعاره‌هاى مفهومى در ديوان شمس بر مبنای کنش حسى خوردن». *نقد ادبى*. د ۶. ش ۲۴. صص ۱۴۳-۱۶۸.

موسوى، سیده‌فاطمه. (۱۳۹۲). «استعاره مفهومی در قطعه‌ای به زبان ختنی». *پژوهش‌هاى زبانى*. د ۴. ش ۱. صص ۱۱۱-۱۲۷.

مولايى، مريم؛ صراحي، محمدامين؛ رستم‌پور، محمد. (۱۳۹۹). «استعاره‌هاى عملى در متون خبرى زبان فارسى»، *زبان‌شناسى و گویش‌هاى خراسان*. د ۱۲. ش ۴. پياپى ۲۳. صص ۱۵۳-۱۷۵.

نوريان، سيد مهدى؛ خردمندپور، مسعود. (۱۳۹۳). «مضامين تعليمى در شعر آيينى». *پژوهشنامه ادبيات تعليمى*. س ۶. ش ۲۳. صص ۱۷-۳۸.

